

صفحات ۱۷۲ - ۱۵۳

اسلام‌شناسی با نگاهی به آثار برنارد لوئیس

فاطمه عزیز محمدی^۱
عبداللہ رحیمی^۲

چکیده

علاقه مندی به مطالعه و پژوهش پیرامون اسلام و مسلمین سال‌هاست که مورد توجه غربیان قرار گرفته است. حاصل کار پژوهشگران اسلام‌شناس، مقالات، پژوهش‌ها و سخنرانی‌های متعدد در این زمینه می‌باشد. نتایج برخی از این تلاش‌ها بسیار مورد توجه سیاسیون، مراکز تحقیقاتی و حتی مردم عادی دنیای غرب قرار گرفته و جهت‌گیری‌های سیاسی و استراتژیکی را شکل داده است. با توجه به رقابت دیرپای مسیحیت با دنیای اسلام، این‌گونه تألیفات در شکل‌گیری شناخت غربیان از تمامیت اسلام و اعتقادات مسلمین با این اقبال رو به رو شده‌اند و چه از دل همین موشکافی‌های غربیان، مباحثی مانند اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی مطرح شد و سیاسیون و حتی رسانه‌های غربی بیش از پیش دست به کار شدند که در این رقابت استراتژیکی عمل کنند تا از آسیب‌های به احتمالی در امان بمانند.

برنارد لوئیس از ایده پردازان و اسلام‌شناسان معاصر می‌باشد که مطالعات زیادی پیرامون اسلام، ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و دینی مسلمین در منطقه خاورمیانه انجام داده و صاحب تألیفاتی در این زمینه می‌باشد. لوئیس از اندیشمندانی بود که مطالعات او در این زمینه بسیار مورد توجه سیاسیون و رسانه‌های غربی قرار گرفت. بی‌شک شناخت بن‌مایه اندیشه‌های او و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها کمک‌شایانی خواهد کرد.

واژگان کلیدی

اسلام‌شناسی، برنارد لوئیس، اسلام‌شناسان غربی، اسلام‌هراسی، تعصب و غرض‌ورزی.

۱. دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

Email: Meena_mina_mina@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

Email: Rahimiabdolla@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

طرح مسأله

تهاجم تاریخی مسیحیان غربی به حوزه شرقی دریای مدیترانه و جغرافیای آسیای صغیر تا شام و مصر در قرن یازده میلادی/پنجم قمری که در تاریخ اسلام و مسیحیت به جنگ یا حمله صلیبی معروف است، نقطه عطفی در نگرش مسیحیان به اسلام و جامعه اسلامی بود. این حادثه در حالی که برای مسلمانان خسارات زیادی داشت و به تعبیر برنارد لوئیس «عظیم‌ترین و ماندگارترین خسارت بر جهان اسلام بود»، برای اروپاییان دستاوردهای فراوانی بر جای گذاشت که یکی از آن‌ها تأسیس رسمی «مدرسه استشرق» بود. در این مدرسه دامنه آگاهی اروپاییان از اسلام و مسلمانان وسعت یافت، هرچند این آگاهی بنیانی غیر علمی داشت (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۸۰). -اسلام شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی اکثر کشورهای غربی جزئی از تحقیقات شرق شناسی است (اعوانی، ۱۳۸۸، ۱۱۴)-.

پس از علاقه مندی و توجه بیش از پیش غربیان به اسلام و مسلمانان، اسلام شناسان غربی با علائق و زمینه‌های علمی، پژوهشی، فکری و فرهنگی مختلف ظهور و تلاش کردند که چیزی بیش از همتایان قبل خود به این حوزه بیفزایند. این که این مطالعات چقدر بدون تعصب به احزاب سیاسی پیرامون خود و بدون غرض ورزی صورت گرفته از یک سو و از دیگر سوی اینکه آیا واقعاً همه این تلاش‌ها در راه اسلام شناسی علمی، دقیق و با دسترسی و مراجعه و مطالعه‌ی همه منابع موثق صورت گرفته است، خود یک سوال است.

آنچه مسلم است این است که برخی اسلام شناسان غربی با ذهنیتی عاری از دغدغه‌های سیاسی و متعصبانه و با اندیشه‌ای به دور از خود برتری‌ی وارد این عرصه نشده‌اند. چیزی که باعث شده دستاوردهای آنان در این زمینه واقعیت‌ها و جنبه‌های ناب و فلسفه نهفته در ساختارها و فرامین اسلام را فروگذارده و نتوانند به‌گونه‌ای آن‌ها وارد شوند. همان‌طور که با بررسی آثار و تلاش‌های برخی از این اسلام شناسان به روشنی می‌توان دست یافت که به دلیل عدم آشنایی آن‌ها پیرامون این موضوعات و مطالعه‌شان در دین اسلام و پرهیز و اغفال آن‌ها از نگاه عمقی و حقیقت‌جویانه، به عمق این ساختار نظام مند وارد

نشده و از درک صحیح آن باز مانده اند و بعضاً با اطلاعات ناصحیحی که از این منظر به دیگران و دنیای سیاست، پژوهش، رسانه و فهم مردم داده اند، بحث‌ها و شک‌هایی را در خصوص اسلام، سنت اسلامی، قرآن، مسلمین و... مطرح کرده اند. مثل این که اسلام را دین جنگ معرفی کرده اند، در راستی و درستی برخی سنت‌های اسلامی و سخنان پیامبر (ص) تشکیک کرده اند، مسلمانان را برای پیشرفت و اداره امور خود وابسته به دنیای غرب معرفی کرده اند و خود را برتر دانسته اند، ترس از مسلمین و دنیای اسلام را در قالب اسلام هراسی به غرب و بلکه به جهان ارائه نموده اند و مباحثی از این دست که مسلمین را در سراسر جهان با پیامدهایی رو به رو کرده است. پیامدهایی از جمله ترور، قتل، غصب سرزمین، جنگ‌های درونی و بیرونی، جنگ‌های سرد، نرم و تخریب افکار عمومی جهان، تعرض و در اختیار گرفتن امور سرزمین‌های اسلامی به بهانه ایجاد امنیت و...، چپاول اموال و جان‌ها و سرمایه‌های مادی و معنوی مسلمین در سراسر جهان، برخوردهای سیاسی، متعصبانه و به دور از اصول اخلاقی و انسانی با مسلمانان توسط غیر مسلمانان در برخی کشورها و...

در این میان اسلام شناسان و اسلام پژوهان غربی ای هم بوده و هستند که بر اساس فطرت و جودیت خود، منصفانه، به دور از تعصب و بر اساس روش‌های دقیق علمی دست به شناخت این دین زده اند و توانسته اند خود و دیگران را از شناخت صحیح بهره‌مند سازند و در این راه چراغی باشند فرا روی خود و دیگران.

همان‌طور که شیمل می‌گوید که با زندگی در بین خانواده‌های مسلمان به درک از ابعاد اسلام دست یافته و شیفته این دین بوده و به دنبال تکمیل اطلاعات خود در مورد این دین برآمده نه به دلایل بعضاً سیاسی و مغرضانه که پرده‌ای از تعصبات را جلوی دید فرد باز می‌کند. وی در کلاس‌ها، سخنرانی‌ها، دیدار با دانشجویان و حتی با استادان شرق شناس و اسلام شناس بارها تأکید داشت که شرق و به خصوص اسلام را فقط از لا به لای کتاب‌ها نجوئید، با مسلمانان باید زندگی کرد تا آنان را شناخت (اعوانی، ۱۳۸۸، ۱۲۰).

آثار شیمل بیانگر این است که شناخت عمیق و دید وسیع او ناشی از مطالعات او در باب آثار مطرح مسلمانان نیز می‌باشد که قطعاً وسعت اطلاعات را برای او به همراه داشته

اند. همچنین سال‌ها همراهی با فرهنگ، ادبیات و هنر اسلامی در تمام جهان و در طبقات مختلف مردم تصویر او را از اسلام راستین به تدریج شکل داده بود.

شیمل برای ایجاد صلح بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها راه گفتگو را بین «خودی» و «بیگانه» پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: «انسان دشمن چیزی است که نمی‌شناسد». اگر معرفت باشد، رفتار ما در مقابل دیگران مشخص است. برپاداشتن صلح، یعنی از میان بردن ترس و مفهومش این است که غریبه‌ای که در میان ما و دیگران ترس و رعب ایجاد می‌کند، باز شناسیم. شاید غریبان هم از اسلام بیم دارند زیرا جنبه‌هایی از زندگی معنوی بشر را شامل می‌شود که در انسان مدرن عصر روشنگری که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسئله‌اش بازار بورس، کلاسترول خون، اینترنت و... است، هراس ایجاد می‌کند. او خطاب به غریبان می‌گوید: بسیاری از چیزهایی که ما را آشفته می‌سازد، در اشکال دیگر در خود ما هم نهفته است. «محور شرارت» فقط از آن بیگانگان نیست، در فضای فرهنگی ما همه مستور است (اعوانی، ۱۳۸۸، ۱۲۶). شیمل همواره تلاش داشت شناختی از اسلام را که از راه سال‌ها تعامل به دست آورده بود، به غرب بشناساند.

اسلام‌شناسانی نظیر آنه ماری شیمل (۱۹۲۲-۲۰۰۳ م)، غربی‌اند ولی به گونه‌ای از منظری دیگر به فرهنگ شرق و مخصوصاً اسلام نگریسته‌اند و برای پیام باطنی اسلام جایگاه ویژه‌ای قائلند. مصادیق اسلام را در مسلمین راستین می‌جویند و اعمال اقلیتی از مسلمانان را که آگاهانه یا عامدانه، خلاف اسلام عمل می‌کنند، از کل مسلمانان جدا در نظر می‌گیرند (اعوانی، ۱۳۸۸، ۱۰۶). ارنست رنان، مستشرق فرانسوی که به زبان عبری و عربی و نیز مسائل معاصر اجتماعی و فرهنگی خاورمیانه آشنایی داشته و «مظهر تفکر جدید غرب» محسوب می‌شده است، معتقد به ممانعت اسلام در برابر پیشرفت‌های علمی بود و علت اصلی رکود علمی اعراب را «دین اسلام و ایمان مسلمانی» می‌دانست. در مقابل، سید جمال الدین اسدآبادی نگرش پوزیتیویستی رنان، و به خصوص تعارض اسلام با علم را قبول نداشت. نقد او بر رویکرد «تبعیض نژادی» رنان، در این مقوله می‌گنجد (اعوانی، ۱۳۸۸، ۱۰۸). نقدی که خارج از حیطه این بحث می‌باشد.

هدف این مقاله آن است که با نگاهی اجمالی به تالیفات برنارد لوئیس و تحلیل

نگرش او پیرامون اسلام و مسلمین، ریشه اسلام هراسی موجود در افکار عمومی غرب و علل تبلیغ رسانه های وابسته به دولت را بررسی نماید. در این راستا مقایسه های نیز بین سایر ایده پردازان غربی انجام شده است.

پیشینه تحقیق

اسلام (۱۳۹۵) با نگاهی به کتاب «زبان سیاسی اسلام» اثر برنارد لوئیس به چگونگی تحقیق و بررسی وی بر روی قواعد به کار رفته در پژوهش خود پیرامون الفاظ و اصطلاحات و در پی آن کشف مسائل تاریخی و فرهنگی اسلام می پردازد.

ناصری طاهری (۱۳۸۸) در پژوهش خود تحت عنوان نگاه تاریخ نگاران صلیبی به شیعیان اسماعیلی و تأثیر آن بر نگرش خاورشناسی معاصر به بررسی موردی پیرامون تأثیرپذیری برنارد لوئیس از این تاریخ نگاران پرداخته و اظهار می دارد که لوئیس از این رهگذر نگرش خود به اسلام و شیعه را شکل داد و شاید بتوان گفت در این مورد، بیشترین سهم را در ادبیات خاورشناسی معاصر دارد، وی همچنین در پژوهشی دیگر به بررسی مبانی و ریشه های تاریخی اسلام هراسی غرب و به ویژه جنگ های صلیبی پرداخته است.

دهقانی (۱۳۸۳)، به ترجمه، نقد و بررسی کتاب «اشتباه در چه بود؟ تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه» اثر برنارد لوئیس پرداخته و این کتاب و مباحث مطرح شده در آن در خصوص مسلمانان خاورمیانه و ابعاد و زوایای مختلف زندگی، ساختارهای سیاسی و فرهنگی آنان را موشکافانه مورد بررسی قرار داده است.

محمدحسین رفیعی (۱۳۹۳ و ۱۳۹۴) در مجموعه نوشتارهایی تحت عنوان پاره های اسلام شناسی به معرفی برخی مقالات لاتین در حوزه مطالعات اسلامی که تاکنون ترجمه و منتشر نشده اند، اسلام شناسی در غرب (بررسی آثار رابرت هولند، پاتریشیا کرونه) و آخرالزمان پژوهی در مطالعات اسلام شناسی غربی می پردازد.

رفیعی (۱۳۹۳) به بررسی و شناخت افکار پاتریشیا کرونه - به عنوان یکی از مهم ترین اسلام شناسان حال حاضر غرب که نظراتش تحولات مهمی در جهت دهی به مطالعات حوزه های متعددی از اسلام شناسی مؤثر بوده - از خلال دو اثر از او پرداخته؛ اعوانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان شیمل و اسلام به تبیین علمی رویکرد شیمل به اسلام،

ویژگی های اسلام شناسی وی و اهمیت جایگاه علمی و معنوی او به عنوان اسلام شناس در سطح جهان می پردازد؛ و تقی زاده انصاری (۱۳۹۱) در مطالعه خود که نتیجه آن به صورت ترجمه و اقتباس منتشر شد به زندگی، آثار، مطالعات و فعالیت های یوهان یاکوب رایسکه به عنوان یک عربی دان و اسلام شناس پرداخته است.

زندگی برنارد لوئیس

برنارد لوئیس (Bernard Lewis) در ۱۹ می ۱۹۱۶ میلادی از پدر و مادری یهودی و در خانواده‌ای از طبقه متوسط در شرق لندن به دنیا آمد. پدر و مادر برنارد از اروپای شرقی به بریتانیا مهاجرت کرده بودند. او در ابتدا می‌خواست شاعر شود. اما در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن مدرک کارشناسی و سپس دکترای تاریخ گرفت. پس از آن در پاریس زبان‌های سامی را یاد گرفت. در آنجا از شاگردان لویی ماسینیون (کارشناس تصوف اسلامی) بود. لوئیس همچنین در دانشگاه لندن حقوق خواند و مدتی نیز به کار حقوقی مشغول شد. گرچه این حرفه را خیلی زود رها کرد زیرا می‌خواست جهان را با نگاه دیگری ببیند. در سال ۱۹۳۸ میلادی او به سمت دانشیار تاریخ اسلام در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن منصوب شد.

از ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۴ میلادی لوئیس در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، تاریخ خاورمیانه و خاور نزدیک درس می‌داد. در سال ۱۹۷۴ میلادی مدرسه مطالعات شرقی را رها کرد و به دانشگاه پرینستون پیوست. در پرینستون لوئیس با برخی چهره‌های کلیدی نومحافظه کار آشنا شد و بر آن‌ها اثر گذاشت. بسیاری از این چهره‌ها، نزدیک به سه دهه بعد، از پایه‌گذاران اصلی سیاست خارجی تهاجمی آمریکا شدند. از میان این چهره‌ها می‌توان به ریچارد پرل، مشاور وزیر دفاع آمریکا در دوره رونالد ریگان و از چهره‌های نومحافظه کار طراح جنگ عراق، پال ولفوویتز، معاون سیاست‌گذاری وزارت دفاع آمریکا در دوره جرج دابلیو بوش و از چهره‌های نومحافظه کار طراح جنگ عراق، الیت ایبرامز، دستیار رئیس‌جمهور در دوره رونالد ریگان و دستیار ویژه رئیس‌جمهور در دوره جرج اچ دابلیو بوش اشاره کرد. این تأثیرگذاری به ویژه هنگامی رخ داد که برنارد لوئیس، مشاور سناتور نومحافظه کار هنری ام. جکسون بود.

لوئیس در سال ۱۹۸۶ میلادی از دانشگاه پرینستون بازنشسته شد و تا سال ۱۹۹۰ میلادی در دانشگاه کرنل به تدریس و پژوهش پرداخت (دانشنامه آزاد ویکی پدیا).

مطالعات برنارد لوئیس و علاقه مندی او به اسلام شناسی

از آثار لوئیس چنین به دست می آید که وی تحقیقات خود را در دایره وسیعی از مباحث تاریخ اسلام تا تاریخ معاصر خاورمیانه و نیز درباره خلافت عثمانی تا ترکیه جدید، توسعه داده و درباره بسیاری از مسائل عمده تمدن اسلامی اظهار نظر نموده است. علاوه بر این، او یک یهودی است و علاقه مند به بقای اسرائیل. در این صورت تعهدی برای دفاع از این اعتقاد خود داشته و نیز کارهای علمی خود را با همه تلاشی که برای علمی کردن آن ها می کرده، به نوعی در خدمت این تعهد قرار داد است. البته لوئیس متعلق به نسلی از مستشرقان است که هیچ گاه به صراحت با مسائل شرق و دنیای اسلام برخورد نمی کنند، بلکه می کوشند تا در قالب پژوهش های علمی و رعایت بی طرفی از نوع ویژه ی غربی و با مراعات این که نوشته هایشان، خوانندگان و به ویژه خواننده شرقی را آزار ندهد، مسائل مورد علاقه خود را نشر دهند (بن صلاح مطبقانی، ۱۳۷۷: ۹۸-۹۷).

او با آشنایی با سه زبان عربی، فارسی و ترکی توانسته از منابع مختلف از قرآن و تفسیر گرفته تا کتب حدیثی و فقهی و مقالات مربوطه بهره برده و با مذاقه در آن ها به شناختی از اسلام برسد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۹). وی آثار پر شماری در زمینه مطالعات تاریخ اسلام، فرق و کشورهای اسلامی در قالب مقاله، رساله و کتاب از خود بر جای گذاشته که به بیش از بیست زبان دنیا ترجمه شده و تعدادی از آن ها نیز به زبان فارسی ترجمه شده است (اسلامی، ۱۳۹۵: ۶). او تألیفات متعددی در این زمینه دارد از جمله: اسلام و غرب؛ کشف اروپا به وسیله مسلمانان؛ یهودی های اسلام؛ زبان سیاسی اسلام؛ اسلام در تاریخ؛ ایده ها، مردم و رویدادها در خاورمیانه؛ دنیای اسلام: اعتقاد، مردم، فرهنگ؛ اسلام و دنیای عرب: اعتقاد، مردم، فرهنگ؛ اسلام؛ مسلمانان در اروپا (تغییرات اجتماعی در اروپای غربی)؛ نژاد و رنگ در اسلام؛ بحث های سیاسی اسلام؛ دنیای اسلام؛ شیعه و...

برنارد لوئیس در پژوهشی با عنوان "ایران در تاریخ"، در تلاش برای دست یابی به ابعاد مختلف ایران در تاریخ، فکر می کند که کسی باید در رابطه با پیروزی اسلام در

قرن هفتم و حوادث متعاقب ظهور اسلام و پیامبر آن و گسترش اسلام در گستره شرق و در جزایر عرب تا هند و چین و سایر سرزمین‌ها تحقیقی به عمل آورد. این مسئله به صورت گسترده‌ای در ایران هم به چشم می‌خورد. نویسنده تلاش دارد دیدگاه‌های مختلف را در رابطه با ظهور اسلام در ایران و مسائل قابل توجهی که در تاریخ ایران به عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه در قرن هفتم و هشتم روی داده، به تصویر بکشد (پژوهه، ۱۳۸۴: ۴۹).

لوئیس و دیدگاه برتری طلبی غربی

از دید لوئیس امروز برتری و سلطه غرب در بسیاری از عرصه‌ها نمود دارد و غرب بر جنبه‌های مختلف زندگی مسلمانان، حتی زندگی خصوصی آنان نیز تسلط یافته است. این در حالی است که تمام تلاش‌های مسلمانان فقط در سه حوزه سیاسی، نظامی و اقتصادی متمرکز شده است. به نظر وی، تلاش مسلمانان به منظور توسعه سیاسی، جز فساد سیاسی و وابستگی و احش نتیجه دیگری نداشته است. توسعه اقتصادی نیز به فقر و گسترش پدیده رانت خواری در منطقه خاورمیانه منجر شده است. در زمینه نظامی نیز خریدهای افسانه‌ای تسلیحات و در نتیجه آن فقر روز افزون کشورهای ایمن منطقه، امری عادی تلقی می‌شود. برنارد لوئیس، این شکست را مایه شرمساری می‌داند و مسلمانان را در این زمینه به شدت محکوم می‌کند. وی معتقد است که این‌ها همه بلایی است که در اثر تنبلی و مقصر تراشی مسلمانان بر سر آنان آمده است (لوئیس، ۱۳۸۳: ۳۷۹-۳۷۸).

در یکی از کتاب‌های خود با عنوان «کشف اروپا توسط مسلمانان» به تلاش مورخان برای کشف اروپا در برابر دنیای اسلام و موضع آن‌ها نسبت به یکدیگر پرداخته است. در اصل وی در صدد بحث از چگونگی موضع دنیای اسلام نسبت به اروپاست و این‌که چگونه این موضع راهی از تجاهل تمام عیار تا خضوع و پذیرش غرب زدگی را طی کرده است. وی معتقد است که عامل این تجاهل، این‌باور مسلمانان بوده که اروپا چیزی برای عرضه به دنیای اسلام ندارد. دیگر آن‌که مسلمانان به همان چیزی از اندیشه و نظام که دارند می‌توانند بسنده کنند. در نقد لوئیس باید گفت درباره تجاهل مسلمانان مورد نظر نسبت به عادی بودن وضعیت اروپا در قرون وسطی، باید توجه داشت که این تنها نظر

مسلمانان نیست، بلکه یک باور علمی رایج است. درباره اکتفای به داشته‌ها نیز میان زمینه‌های فکری و نظامی که اسلام عرضه کرده و بر هر آنچه که بشر می‌تواند بدان برسد برتری دارد، با اقتباس از علم و فن باید تفاوت گذاشت. تاریخ نشان می‌دهد که مسلمانان باب بهره‌گیری از سایر تمدن‌ها را گشوده بودند و کارهای ترجمه در همه زمینه‌ها مؤید این مسئله است (بن‌صلاح مطبقانی، ۱۳۷۷: ۱۰۰-۹۹).

لوئیس و اسلام‌هراسی

لوئیس در یکی از نوشته‌های اولیه خود، ضمن مقایسه مسلمانان و کمونیست‌ها، اظهار می‌دارد که «هر دو گروه پیرو مسلکی انحصار طلب و تمامیت‌خواه هستند و مدعی‌اند که پاسخ قطعی تمامی سؤالات و مسائل زمینی و ماورائی را دارند». او همانند هانتینگتون با رویکردی کاملاً سوگیرانه و تعمیم‌گرایانه سعی دارند بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان جهان را به صورت یکپارچه و بدون استثنا با اوصافی منفی و به عنوان جماعتی "سرشار از خشم و غضب، بی‌خرد و غیر منطقی و مهم‌تر از همه تهدیدی برای امنیت غرب" معرفی کنند. یعنی دقیقاً همان اوصاف برگرفته از کلیشه‌های مشهور شرق‌شناسانه. نوشته‌ها و اظهارات این دو اندیشمند، از دهه ۹۰ تا کنون، همواره به منزله اساس و شالوده نظری اسلام‌هراسی معاصر مورد استناد و ارجاع قرار گرفته است.

بی‌تردید اسلام‌هراسی یکی از راهبردی‌ترین موضوعات جهان غرب و دنیای مسیحیت است. این راهبرد فقط نتیجه یک دکترین مانند دکترین برخورد تمدن‌ها نیست بلکه در یک بستر طولانی تاریخی شکل گرفته و پرورش یافته است. اگرچه تئوری‌های «ناهمگونی تمدن‌ها» از سوی ریمون آرون، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی یا «برخورد فرهنگ‌ها» توسط برنارد لوئیس، اسلام‌شناس و شرق‌شناس معروف، و اثرگذارترین آن‌ها یعنی «برخورد تمدن‌ها» از طرف ساموئل هانتینگتون در شکل‌گیری پدیده اسلام‌هراسی تأثیر عمده داشته‌اند (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۲۳)، اما عده‌ای از نظریه‌پردازان نظیر «ساموئل هانتینگتون» و «برنارد لوئیس» با بهره‌گیری از مفاهیمی نظیر بنیادگرایی، رادیکالیسم و سنت‌گرایی که خصلتی منتقدانه را در رابطه با پدیده اسلام‌گرایی منعکس می‌کند، در صدد برآمده‌اند تا به القای اسلام‌هراسی بپردازند (نظری، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

لوئیس و مهدویت

در ورای کالبد مطالعات اسلامی غربیان درباره موضوع سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام در طول یک قرن اخیر، مسئله آخرالزمان و ظهور موعود یکی از موضوعات کلیدی و حساسی است که می‌تواند وجه افتراق باشد. به عبارت دیگر توجه یا عدم توجه به موضوع آخرالزمان را مطالعات اسلام‌شناسان را به دو گروه تقسیم کرده است. گروهی بیش از آن که تحت تأثیر متون متأخری که ارائه دهنده تصویری آخرالزمانی از اسلام هستند، باشند، می‌کوشند با اتکا به متون متقدم سنت اسلامی، چهره‌های واقعی، این جهانی و عینی از وقایع قرون تاریخ اسلام ارائه کنند. موضوعاتی همچون شیوه حیات مسلمین صدر اسلام در مدینه و مکه یا تحلیل عینی گرایانه جنبه‌ها و تحولات جهان اسلام در قرون نخستین را می‌توان از مهم‌ترین علائق این گروه برشمرد. در حقیقت بیشتر مطالعات اسلامی نیمه دوم قرن بیستم تاکنون در قالب دسته نخست می‌گنجد، در حالی که پژوهشگران نه چندان هم‌دل تاریخ اسلام که پیش از نسل کنونی مشغول فعالیت بودند، به موضوع آخرالزمان علاقه بیشتری نشان داده‌اند (رفیعی، ۱۳۹۴: ۶۱)

دیدگاه لوئیس نسبت به اسلام سیاسی

برنارد لوئیس از جمله متفکرانی است که در خصوص اسلام سیاسی دیدگاه تقابلی گرا دارد یعنی اسلام سیاسی را پدیده‌ای مخالف منطق مدرنیته غربی می‌داند. وی همچون سایر تقابلی‌گرایان معتقد است: میان اسلام و غرب تضادهای فکری و فلسفی وجود دارد. از این رو هرگز نمی‌توان میان آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های غربی سازگاری به وجود آورد. لوئیس در اثر معروف خود، اسلام و غرب، به بررسی این مسئله می‌پردازد که هیچ سازگاری بین اسلام و دموکراسی وجود ندارد و شکاف فلسفی و هویتی میان اسلام و غرب پُر شدنی نیست. از نظر وی، دلایل اصلی ضد غربی بودن و ضد آمریکایی بودن اسلام گرایان احساس حقارت، حسادت و ترس آنان از غرب است. وی در ریشه‌یابی این مسئله می‌گوید: «شدت احساسات ضد غربی اسلام‌گرایان از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که ایالات متحده به عنوان وارث مشروع و قانونی تمدن اروپایی و رهبر بلامنازع

غرب، شکاف های ناشی از آن ها را به ارث برده و به کانون نفرت و خشم تبدیل شده است. مهم تر از آن لوئیس معتقد است: اسلام و دموکراسی ذاتاً ناسازگارند. از این رو، اسلام گرایان سیاسی هرگز نمی توانند دموکراتیک رفتار نمایند (توانا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

وی در موضعی می نویسد: «از زمانی که غرب به جهان اسلام راه یافته، تا کنون، مهم ترین و سازمان یافته ترین مخالفت ها با نفوذ غرب، ماهیت اسلامی داشته است. مسلمانان همواره بیشتر نگران از دست رفتن ایمانشان به وسیله کفار بوده اند تا اداره کشورشان به دست بیگانگان. برخورد دیرینه غرب با جهان اسلام، از مراحل مختلف و پی در پی - بیداری، مقاومت، برخورد و نفی - گذر کرده است. در حال حاضر اگرچه وضعیت نسبت به گذشته بهتر شده لیکن جو غالب بر روابط جهان اسلام و غرب همچنان توأم با بی اعتمادی و دشمنی عمیق است. بنابراین، برای درک بهتر فضای غالب بر روابط این دو تمدن بزرگ، باید آن را در چارچوب "برخورد تمدن ها" بررسی کرد و نه در قالب دیگری بین ملت ها یا دولت ها» (عیسی زاده و شرف الدین، ۱۳۹۵: ۴۵).

لوئیس در یکی از کتاب های خود با نام «زبان سیاسی اسلام» از روش قابل توجه و مهمی برای مطالعه و تحقیق اندیشه ها و نظام فرهنگی و سیاسی اسلام یعنی بررسی واژگان و الفاظ زبان عربی، بهره جسته است. در حقیقت مطالعه وی پیرامون تحولات سیاسی مسلمانان بر اساس تحولات زبانی و فقه اللغه می باشد و کوشیده است تا از این طریق به تحولات اندیشه سیاسی اسلام برسد.

لوئیس در بخش نخست کتاب به بررسی و استعاره و کنایه و جایگاه آن در زبان سیاسی اسلام می پردازد و با تحلیل و واژگانی که به صورت استعاره و کنایه در زبان سیاسی اسلام به کار گرفته می شود به روابط قدرت در حکومت اسلامی اشاره می کند. در بخش دوم که پیرامون هیئت سیاسی اسلام است به مباحثی پیرامون ساختار حکومت و سیاست اسلامی و تفکر آن در میان جامعه اسلامی سخن به میان می آورد و در این فصل به تحقیق پیرامون واژه هایی همچون «امت»، «امامت»، «مدینه»، «امر»، «امیر»، «ولی»، «سلطان»، «حکومت» و «دولت» می پردازد. در بخش سوم نیز به مباحثی درباره فرمانروایان

و طبقه حاکمیت در تاریخ اسلامی و فرمان برداران یا همان طبقه رعیت در تاریخ حکومت اسلامی می پردازد.

بخش چهارم کتاب نیز به مباحث جنگ و صلح در تاریخ اسلامی اسلام اشاره کرده و در آن از جنگ مقدس، جهاد، روابط میان کشورهای اسلامی و غیراسلامی در دوره های مختلف تاریخی سخن گفته شده است (اسلامی، ۱۳۹۵: ۸). بخش پنجم و پایانی کتاب را که موضوعش حدود اطاعت است را با آیه ای از آیات قرآن - «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم» - آغاز می کند و در باب آموزه های آن در تفسیر و سنت به نگارش می پردازد. به قیام ها، شورش ها و عدم اطاعت رعیت از حاکمان در تاریخ اسلام پرداخته و با تفسیر واژگانی که در این رابطه به کار می رود در صدد کشف تفکر و فرهنگ سیاسی جامعه اسلامی برآمده است (اسلامی، ۱۳۹۵: ۹).

غرض ورزی، تعصب و نگاه غیرعلمی در آثار لوئیس

به نظر می رسد برنارد لوئیس در میان شرق شناسان معاصر، بیش از دیگران تحت تأثیر نگرش تاریخی به اسماعیلیان نزاری، نگاه خود به اسلام و مسلمانان را شکل داده و با نوشتن کتاب "The Assistant: A Radical Sect in Islam" که از نخستین آثار مهم اوست، آدم کشی و شاه کشی در تاریخ اسلام را امری متداول دانسته و اعتقاد دارد، اسلام اساساً دینی با صبغه نظامی و جهادی است. او باور دارد که از منظر فقهی و حقوقی جهان اسلام به دو بخش تقسیم می شود: «دارالاسلام» جایی که مسلمانان بر آن حاکم اند و قانون اسلام حکم فرماست، و «دارالحرب» که بقیه جهان را دربرمی گیرد. میان این دو بخش، تا هنگام پیروزی نهایی و حتمی اسلام بر کفر، الزام اخلاقی و تکلیف شرعی و دینی برای وضعیت جنگ وجود دارد. در موضع دیگری هم تأکید کرده که تصور می شود که اسلام از همان آغاز، دینی جنگ طلب و در واقع دینی نظامی بوده و پیروان آن جنگ جویانی متعصب اند که با تکیه بر نیروی نظامی، در صدد ترویج آیین و شریعت خویش هستند (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۸۸).

از نظر او، غرب (اروپا و آمریکا) یک برتری ذاتی نسبت به شرق دارد. غرب به رغم وجود کشورها و زبان های مختلف، یک کلیت منسجم و از نظر فرهنگ، مذهب و ارزش

ها یک جامعه اصیل و یکدست است. بر خلاف آسیا و آفریقا که متنوعند (لوئیس، ۱۳۸۰: ۷۳). غربی‌ها ملت‌های هم‌فکرند که به ارزش‌های بنیادین مانند آزادی، حقوق بشر و ضوابط اخلاقی اعتقاد دارند (همان: ۸۸-۸۵). از نظر لوئیس همزمانی کشف قاره آمریکا و فتح غرناطه که به سقوط مسلمین در اندلس انجامید، پیروزی غرب را در برابر دشمنانش (مسلمین) تسریع کرد (همان: ۸۲). نگرش وی نسبت به گسترش و پیشرفت و توسعه اسلام به خارج از جزیره العرب، نگاهی از نوع استعمارطلبی در دوره جدید است و معتقد است اساساً اسلام دینی است با صبغه نظامی و تاریخ اسلام غیر از جهاد نیست (لوئیس، ۱۳۸۷: ۱۴۳، ۱۶۵-۱۶۳؛ لوئیس، ۱۳۸۰: ۱۴). مبنای نگرش لوئیس، آموزه‌های تاریخی او از روزگار جنگ‌های صلیبی است که بر اساس یافته‌های نادرستش از نزاریان اسماعیلی، به عنوان سمبل اسلام است. آن‌ها قتل مخالفان را یک فریضه دینی دانسته‌اند (لوئیس، ۱۳۸۳: ۲۰۱). تفسیرهای نادرست موردی لوئیس از حوادث تاریخ اسلام یا برداشت‌های نادرست و جزئی او از آیات، احادیث و واژه‌ها و اصطلاحات فقهی و حقوقی اسلام که شأن نزول خاص دارند و عدم توجه او به کلیت مکتب و اندیشه فراگیر اسلام، خودش و دیگران را به اشتباه انداخت (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۳۳). لوئیس علت مهم فقر و عقب ماندگی کنونی مسلمین را در عدم عرفی شدن حکوت‌ها، تبعیض جنسیتی، عدم آزادی اندیشه و نادیده گرفتن حقوق زنان دانسته است (لوئیس، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۶؛ لوئیس، ۱۳۸۴: ۲۲۷ و ۲۳۰)، لوئیس بر این باور است که راه نجات مسلمانان از این فقر و عقب ماندگی در یاری گرفتن از غرب است. به استناد برداشت لوئیس، ستیز مسلمین و مسیحیان (غربی‌ها) قطعی است و چون اسلام و مسیحیت، مانند هر دین دیگری، فقط خود را حیات بخش و جهانی می‌داند و از سوی دیگر، اسلام به حق مدعی خاتمیت و کمال است و از جانب دیگر ترس از قدرتمندی اقتصادی جهان اسلام به علت برخورداری از منابع نفت و گاز (انرژی) دغدغه اصلی جهان غرب است، وحشت غرب از مسلمین به مدد قدرت رسانه‌ای غرب مسیحی تقویت شده و اسلام‌هراسی این پدیده جدید در مغرب زمین روز به روز قوت گرفته است (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

بی‌شک برنارد لوئیس با همان برداشت مصداقی از تاریخ عملکرد اسماعیلیان

نزاری- و فتوح اولیه مسلمانان در صدر اسلام به این باور رسید که اسلام تهدید جدی غرب و میراث یهودی-مسیحی است. با استناد به آیاتی از قرآن مانند سوره های آیه ۱۱ سوره نساء، ۱۷۱ نساء، ۱۸-۱۷ آل عمران و نیز سوره توحید به این باور رسید که تهدید مسیحیان و یهودیان از سوی اسلام جاودانه است. وی حتی تسامح و تساهل اسلام و مسلمانان در برابر پیروان فرقه های دیگر را انکار می کند زیرا میان اسلام و عطف و اسلام و تسامح ارتباطی قائل نیست و این ها همه گویای تأثیر نوشته ها و آموزه های تاریخی مورخان صلیبی پیشین بر نگرش های تاریخی شرق شناسان جدید از جمله وی می باشد (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۹۰-۱۸۹).

نتیجه گیری

با وجود مطالعات دقیق و گسترده صورت گرفته توسط لوئیس درباره تمدن اسلامی و به ویژه فرهنگ اسلامی که او را به عنوان یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین اسلام شناسان، شرق شناسان و خاورمیانه شناسان دنیای غرب در عصر معاصر به دنیا معرفی کرد، پژوهش در آثار وی و بررسی موشکافانه آن ها، مطالعه عمیق پیرامون زندگی، شخصیت و نیز زندگی علمی و تحقیقاتی او و علاوه بر این خوانش و بررسی نقدها و نظرات پیرامون آثار وی، شناخت بهتری از افکار و اندیشه های او پیرامون اسلام و مسلمین به دست می دهد. این شناخت ما را با این واقعیت مواجه می کند که با وجود تمام محاسن و نقاط قوت او در اسلام شناسی، نواقص و نقاط ضعفی را نیز می توان به عنوان یک اسلام شناس و شرق شناس برجسته برای آثار، دیدگاه ها و عقاید وی در اسلام شناسی برشمرد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- عدم رعایت جانب انصاف و نگاه عاری از غرض ورزی به اسلام و مسائل مسلمین در برخی موارد
- جهت گیری های سیاسی و قرار دادن اطلاعات خود در اختیار دنیای سیاست غرب در برخی موارد
- جهت گیری های مذهبی و در خدمت قرار دادن تلاش های علمی خود برای دفاع از تعهد خود نسبت به اعتقادات دین یهود در برخی موارد
- برخوردار نبودن از دیدگاه علمی و بسنده کردن به استفاده از ابزارهای ناقصی چون لغت شناسی و سنجش تاریخی برای شناخت مفاهیم عمیق و والای اسلام و همراه نکردن این بررسی ها با مطالعات اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و تمدنی در برخی موارد
- غرض ورزی عمیق با وجود دیدگاه های افراطی ضد اسلامی، ضد خاور میانه ای و غرب ستایانه پیرامون مسائل دنیای اسلام در برخی موارد
- اغفال و اهمال نسبت به برخی ارزش های والای اسلامی و نگاه سطحی به مسائل اسلامی در برخی موارد به دلیل نگاه بدون اعتقاد و باور دینی
- کلی نگری در برخورد با برخی مسائل دنیای اسلام و مسلمین و تعمیم فهم حاصل به کل دین اسلام

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

۱. سعید، ادوارد دبلیو (۱۳۸۳)، ترجمه عبدالکریم گواهی، «شرق شناسی»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
 ۲. لوئیس، برنارد (۱۳۸۰)، «برخورد فرهنگ‌ها»، ترجمه بهمن دخت اویسی، تهران، نشر فرزانه روز
 ۳. لوئیس، برنارد (۱۳۸۱)، «خاورمیانه: دو هزار سال تاریخ از ظهور تا مسیحیت امروز»، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر نی
 ۴. لوئیس، برنارد (۱۳۸۷)، «زبان سیاسی اسلام»، ترجمه غلامرضا بهروز لک، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
 ۵. لوئیس، برنارد (۱۳۸۴)، «مشکل از کجا آغاز شد»، ترجمه شهریار خواجه‌ان، تهران، نشر اختران
 ۶. موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۹۰)، «مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی»، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (رض)، چاپ سوم
 ۷. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۸)، «امام شناسی و فرقه‌ها از دیدگاه خاورشناسان»، (نگاه تاریخ نگاران صلیبی به شیعیان اسماعیلی و تأثیر آن بر نگرش خاورشناسی معاصر (بررسی موردی: برنارد لوئیس) - انجمن تاریخ پژوهان - صص ۱۹۲-۱۷۹)، قم، نشر خاکریز
 ۸. هجران، ماری (۱۳۸۴)، [گردآوری و ترجمه] «معرفی نویسندگان خارجی و آثار آنان در موضوع اسلام و ایران (۱)»، تهران، مرکز نشر معاونت پژوهشی آموزشی مرکز مطالعات فرهنگی-بین‌المللی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- ### ب: مقالات
۹. اعوانی، شهین (۱۳۸۸)، «شیمل و اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال دهم، شماره سوم (دوره ۱۰، شماره ۳۹)، صص ۱۳۰-۱۰۱

۱۰. بابایی، حبیب الله (۱۳۹۳)، «پیوستگی در تمدن اسلامی (بررسی نظریه ی مارشال هاجسن)»، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الاهیات، سال نوزدهم، شماره دوم، صص ۵۹-۳۵
۱۱. تقی زاده انصاری، شهرام (۱۳۹۱)، «یوهان یاکوب رایسکه: از ادبیات عرب تا اسلام شناسی»، فصلنامه علمی-تحقیقاتی ایران شناسی و اسلام شناسی، سال اول شماره سوم، صص ۱۹۹-۱۹۳
۱۲. توانا، محمدعلی و روشن، امیر و بیگلری، منیژه (۱۳۹۰)، «آینده اسلام سیاسی در عصر جهانی شدن: دیدگاه های مختلف»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره یکم، صص ۱۸۱-۱۵۹
۱۳. رفیعی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «پاره های اسلام شناسی (۲)»، فصلنامه آینه ی پژوهش، سال ۲۵، شماره اول، صص ۹۶-۸۳
۱۴. رفیعی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «پاره های اسلام شناسی (۴)-اسلام شناسی در غرب (۱): بررسی آثار رابرت هولند»، فصلنامه آینه ی پژوهش، سال ۲۵، شماره چهارم، صص ۷۶-۶۳
۱۵. رفیعی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «پاره های اسلام شناسی (۵)-اسلام شناسی در غرب (۲): پاتریشیا کرونه و پایان شرق شناسی»، فصلنامه آینه ی پژوهش، سال ۲۵، شماره چهارم، صص ۱۲۲-۱۱۵
۱۶. رفیعی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «پاره های اسلام شناسی ۷-آخرازمان پژوهی در مطالعات اسلام شناسی غربی»، فصلنامه آینه ی پژوهش، سال ۲۶، شماره دوم، صص ۶۳-۶۱
۱۷. عیسی زاده، عباس و شرف الدین، سید حسین (۱۳۹۵)، «نظریه برخورد تمدن ها- چهارچوب مفهومی درک اسلام هراسی»، دو فصلنامه غرب شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۳۷-۶۲
۱۸. لوئیس، برنارد (۱۳۸۳)، «نفوذ غرب و واکنش خاورمیانه»، مترجم: فهمیه دهقانی، (نقد و بررسی کتاب «اشتباه در چه بود؟، تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه»)، فصلنامه مطالعات

- راهبردی، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۲۴)، صص ۳۸۳-۳۷۷
۱۹. مجله پژوه (موسسه شیعه شناسی) (۱۳۸۴)، «مطالعات اسلام شناسی و شیعه شناسی در دانشگاه تل آویو»، شماره ۱۲
۲۰. مطبقانی، مازن بن صلاح، (ترجمه و تدوین پیرامون قسمتی از پایان نامه دکترای مازن بن صلاح مطبقانی) رسول جعفریان (۱۳۷۷)، «فهرست آثار برنارد لوئیس»، فصلنامه آینه ی پژوهش، دوره ۹، شماره ۵۲، صص ۹۶-۱۱۱
۲۱. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۸)، «مبانی و ریشه های تاریخی اسلام هراسی غرب - بررسی موردی جنگ های صلیبی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال اول، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۲۲
۲۲. نظری، علی اشرف (۱۳۹۵)، «فرایندهای هویتی در غرب و بازنمایی سیاست گذاری مبتنی بر هراس: درک زمینه های اسلام هراسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست گذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۳، ۱۴۰-۱۱۹

ج: پایان نامه ها

۲۳. حسینی، سید مهدی (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی نظریات دو شیعه شناس انگلیسی زبان قرن بیستم (با نگاهی ویژه به دیدگاه های برنارد لوئیس و مارشال گودوین سیمزهاجستن)»، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

۲۴. صادقی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، «اسلام اروپایی: پاسخی به چالش فرهنگی-هویتی در اروپای غربی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه ای (مطالعات اروپا)- دانشگاه تهران

د: همایش ها

۲۵. اسلامی، محمد جعفر (۱۳۹۵)، «بررسی نقش واژه پژوهی در فهم مباحث تاریخی با نگاهی به کتاب زبان سیاسی اسلام؛ اثر برنارد لوئیس»، نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی، یاسوج - دانشگاه یاسوج
۲۶. دهقانی آرانی، زهیر (۱۳۹۱)، «نظرات صاحب نظران غربی (مستشرقین) در مورد

موعود اسلامی»، همایش مهدویت دانشگاه صنعتی اصفهان

۵: سایت های اینترنتی و روزنامه ها

۲۷. دانشنامه آزاد ویکی پدیا برنارد_لوئیس <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۲۸. مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۴)، «تصویرسازی منفی رسانه های غرب از اسلام و

مسلمانان، ۳ دلیل غرب برای تهاجم به مسلمانان»، روزنامه ایران، چهارشنبه ۳ اسفند، سال

دوازدهم، شماره ۳۴۰۱.

